

## رنج بیداری زیبای خفته

# Ana Maria Matute



می‌گردد و در اکتها مادرشوهرش با پی بردن به حیلۀ آشپز و دستیارش دستور می‌دهد آتشی بزرگ برپا کنند تا تک تک آن‌ها را در دیگی جوشان نلپود سازند. اما پس از بازگشت شاهزاده آبی از سفری طولانی، درست در آخرین لحظه از مرگ نجات پیدا می‌کنند و مادر

شوهر مغرور با پرتاب خود در دیگه خیال آن‌ها را راحت می‌کند.

آنا ماریا ماتوته در پایان کنشش باز هم با مکتوم نگه‌داشتن سرنوشت آن‌ها بعد از این ماجرا، خوانندگان کودک و نوجوان داستان خود را به کسب این تجربه بزرگ دعوت می‌کند که در پانزده قهرمانان داستان از این پس زندگی خوشی را بی‌بی‌گردد اما ناگزیرند که همواره با دقت و بسیرت بیشتری به پیروان خود بنگرند. در واقع ماتوته می‌گوید خوانندگان نوجوانش را در عین امیدواری و خوش‌بینی، از خامی و خوش‌خیالی برحذر دارد.

□

از دیگر نویسندگان معاصر که به افسانه‌ها با رویکردی مدرن پرداخته، آنا ماریا ماتوته است. ماتوته با انتخاب یکی از معروف‌ترین افسانه‌ها، جنبه‌ای از زندگی شخصیت‌های داستان را نشان می‌دهد که اصولاً در افسانه‌های برادران گریم یا آندرسن به آن توجهی نشده است؛ یعنی پرده دوم، آغاز زندگی مشترک قهرمانان داستان.

کتاب دیابان واقعی افسانه زیبای خفته در برگیرنده مقطع آغازین زندگی مشترک زیبای خفته و شاهزاده آبی است که با بوسه‌ای او را از خوابی ستمساله بیدار کرد. کشور همسر زیبای خفته از کشور و قصر پتری‌اش فاصله زیادی دارد و در طول راه طولانی زیبای خفته با دیدن جنگل‌ها، بیشه‌ها و سرزمین‌های عجیب و وحشتناک به این باور می‌رسد که حتماً طی خواب طولانی‌اش خیلی چیزها تغییر کرده است. شاهزاده آبی از بس آدم پاک و بی‌آلوسی است به هیچ عنوان متوجه پیروان خود نیست و فقط به فکر زیبای خفته و عشق ورزیدن به او است. در طول سفر زیبای خفته او را از باردار شدن خود باخبر می‌سازد. با رسیدن به قصر پدر شاهزاده آبی، زیبای خفته که از حالت خوفناک قصر و رفتار سرد مادر شوهرش ملکه جنگل در هراس افتاده است، کمی مردم می‌شود. ولی به خاطر عشق به همسر و مهرهائی‌های او همه تأملات را توجیه می‌کند. ملکه جنگل، پس از چندین آمدن بیجه‌های نو، دختری به نام سیبیده و پسری به نام هوش به قصد جان آن‌ها و خوردن گوشت آن‌ها را در غذائی خوشمزه را می‌کند و پس از خوردن آن‌ها، دستور طبع گوشت مادرشان را هم به آشپز مخصوص‌اش می‌دهد و او هم با همکاری دو نفر دیگر هر نوبت گوشت بزغاله، بره و دست آخر آهو را به جای گوشت زیبای خفته به خوردش می‌دهد. رفتار گینه‌تورانه ملکه جنگل، کم‌کم منجر به بلوغ فکری، پختگی و بیداری زیبای خفته و بیجه‌هایش

Ana María Matute



La torre vigía



Der vergessene König Gudú





خانه برادران گریم در

گوتینگن بودند در سال ۱۸۲۷ پادشاه ارنست آگوست را به نقض قانون اساسی متهم کردند و به همین سبب کرسی استادی خود را در دانشگاه گوتینگن از دست دادند. در سال ۱۸۴۰ آن‌ها از طرف پادشاه پروس، ویلهلم فریدریش چهارم برای عضویت در آکادمی علوم به برلین فراخوانده شدند. یاکوب گریم سی و دو سال ۱۸۴۸ بر کرسی نمایندگی مجلس مجمع ملی فرانکفورت تکیه زد. دو برادر آرزوی اتحاد ایالت‌های کوچک آلمانی را در دل می‌پروراندند و در تعریف نخستین قوانین حقوق بشر آلمان همکاری داشتند.

● هانس کریستین آندرسن به شدت از زنده‌گور شدن در هراس بود. و از این‌رو هر شب قبل از این که به بستر برود روی کف می‌نوشت: من نمرودام، فقط به نظر مرده می‌رسم و آن را روی قالیچه جلوی تخت خواب خود می‌گذشت.

● که اساتیدهای برادران گریم به سده و چهل زبان ترجمه شده و آن‌ها از این راه در تمام دنیا معروف شده‌اند. مطمئناً در آن زمان یاکوب و ویلهلم حساب چنین موفقیت اقتصادی را نمی‌کردند. آن‌ها به کار خود بیشتر به چشم خدمت به میراث فرهنگی آلمان می‌نگریستند.

● که جوچه اردک زشت در حقیقت سرگذشت خود هانس کریستین آندرسن است. هانس پسر سر به زهر، بلند، لاغر و رنجوری بود که پدیده‌های همسایه مسخرامش می‌کردند و او اغلب به تنهایی بازی می‌کرد. آن به‌وجه اردک زشته پس از این که بزرگ شد در میان بزرگان و نویسندگان و هنرمندان دوستان زیادی یافت.

طبیعتاً همه برادران گریم و هانس کریستین آندرسن را می‌شناسند و می‌دانند که این اساسی با اساتید ما مرتبط است. اما آیامی دانستید که ...

● یاکوب ۱۸۲۳ - ۱۷۸۵ و ویلهلم گریم ۱۸۵۹ - ۱۷۸۶ هیچ‌کدام از بیش از ۲۰۰۰ قصه خود را شخصاً خلق نکرده‌اند؟ اساتیدهای معروف برادران گریم بر سبک داستان‌های قدیمی نقل شده شاعری هستند که یاکوب و ویلهلم گردآوری کرده و در آن‌ها کم و بیش اصلاحاتی به عمل آورده‌اند.

● هانس کریستین آندرسن (۱۸۵۷ - ۱۸۰۵) مشهورترین نویسنده داستان‌های کم‌ماتده بود که از تحصیل در مدرسه باز ماند؟ آندرسن که پسر یک کفاش فقیر بود ابتدا فقط تحصیلات نامنظمی داشت. وی در چهارده سالگی به کپنهاگ رفت. آن‌جا استعداد وی تشخیص داده شد و فرزندش پنجم پادشاه دینمارک متقبل مخارج تحصیل او شد.

● موفقیت برادران گریم تنها مبتنی بر کار مشترک آن دو نبود؟ این دو همواره در کنار یکدیگر به سر می‌بردند و زندگی مشترکی نیز بنا کرده بودند. حتی وقتی ویلهلم در ۱۸۲۵ با دروینا ویلد دختر داروخانه‌دار ازدواج کرد، یاکوب نزد برادرش ماند و دروینا از هر دو مراقبت می‌کرد.

● هانس کریستین آندرسن در ابتدای قلمش در کپنهاگ طی سال‌های ۲۲ - ۱۸۱۹ اسرار به فراموشی حرقه تئاتر داشت. وی پس از سه سال از بازیگر شدن چشم پوشید و علاقه‌اش را معطوف به استعداد حقیقی خود کرد. یعنی نویسندگی. و علاوه بر اساتید، به نوشتن نمایشنامه، ناول، اتوبیوگرافی، شعر و سفرنامه نیز می‌پرداخت.

● که برادران گریم فعالیت سبسی می‌کردند؟ آن‌ها که عضو گروه هفت